بازگشت رونق نصفه نیمه به بازار نوشت افزار تهران

امسال دور دفتر قلم نکشیدیم

محمد معصومیان
گزارش نویس

صدای همهمه بچه‌ها را می‌شود در دالان‌های راسته بین‌الحرمین بازار بزرگ تهران شنید، البته هنوز آنقدر زیاد نیست که لوازم التحریرفروشان خسته از دو سال رکود را سر شوق بیاورد. با خبر بازگشایی مدارس در سال تحصیلی جدید، انگار خون تازه‌ای در رگ های بازار جریان پیدا کرده است. بچه‌ها هرچند با دودلی اما همراه خانواده‌ها به بازار آمده‌اند؛ دفترها را زیر و رو می‌کنند، خودکارهای رنگی می‌خرند و گاهی هم بهانه‌گیری می‌کنند. صنفی که در این دو سال و با آنلاین شدن مدارس ضربه مالی سنگینی خورده، حالا چشمانش به پیچ‌های بازار است تا ببیند مشتری‌های پرسروصدایش کی از راه می‌رسند.

موسی فرزانیان رئیس اتحادیه لوازم التحریر و لوازم مهندسی به تازگی از خطر ورشکستگی صنعت لوازم التحریر با کاهش ۷۰ درصدی فروش آن گفته است و باید دید آیا بازگشایی مدارس می‌تواند کمکی به بهبود این وضعیت کند یا خیر؟ صنعتی که در سال‌های پیش از کرونا روزگار شیرینی داشت. خاطره‌ای که علی آقا نوشت افزار فروش سر پیچ بازار آن را این طور توصیف می‌کند: «آقا جا نبود راه بروید، این موقع‌ها آنقدر شلوغ و درهم برهم می‌شد که بیا و ببین. الان دو سال است خبری نیست. اینجا که الان شما با خیال راحت ایستاده‌ای جا برای سوزن انداختن هم نبود.» این تعاریفی است که هر کاسب بازار با نقلی منحصر بفرد آن را بازگو می‌کند اما اصل مسأله در همه تعاریف یکی است؛ ۲ سال رکود و کم رونق شدن کاسبی که روزگاری طلایی بود.

از راهروهای کناری مسجد امام خمینی که به سمت بازار لوازم التحریر می‌روم چشمم به چند نایلون پر از دفتر و خودکار در دست کودکانی همراه خانواده می‌افتد، کم اما امیدوارکننده است. داخل راهروهای بازار اندکی شلوغی به چشم می‌خورد. جمعیتی که دکان‌داران را به دو دسته تقسیم کرده؛ آنهایی که همان ابتدا می‌گویند کمی رونق ایجاد شده و آنان که بعد از کمی غرولند می‌گویند از یکی دو هفته پیش بازار اندکی رنگ مشتری به خود دیده است. غفار که قدیمی بازار است بعد از فروش دو تا دفتر ۱۰۰ برگ می‌گوید: «گفته‌اند مدارس باز می‌شود و بازار هم کمی تکان خورده اما آخر چه جوری؟ الان شما بچه داشته باشی می‌فرستی برود مدرسه و مریض شود و همه خانواده را مبتلا کند؟ مگر اینکه ۱۰۰ میلیون دوز واکسن تزریق کنند که بشود این کار را کرد.»

او از کسادی بازار در این دو سال می‌گوید و اینکه پیک رونق این مشاغل بیشتر از تیر تا مهر است: «صنف فصلی همینجوری در طول سال درحال ضرر است دیگر چه برسد به اینکه وضعیت بیماری و همه‌گیری هم پیش بیاید. مثلاً در طول سال آمدند چند تا خودکار بخرند بالاخره پشت لپ تاپ هم خودکار، مداد و دفتر می‌خواهند اما بچه تا مدرسه نرود که فایده ندارد. می‌رود دست همکلاسی یک خودکار اکلیلی می‌بیند و پدر و مادرش را مجبور می‌کند که برای او هم بخرند. سود برای ما آن خریدهاست.» خودش هم از حرفش خنده‌اش می‌گیرد و ادامه می‌دهد: «ولی ضرر اصلی را مقنعه فروش و کیف و کفش فروش و لباس فرم فروش کرده‌اند، یک زنجیره شغلی که تعطیلی مدارس بدجور به آنها ضربه زد.»

مغازه بغلی غفار پسر جوانی است که سؤالی نپرسیده، شکر خدا می‌کند و معتقد است اگر شکر نکند همین روزی را هم از دست می‌دهد: «آدم‌ها باورهایشان را از دست داده‌اند، یادشان رفته باید همیشه شاکر باشند.» همین طور که انرژی مثبتش را در بازار پخش می‌کند چشمان برافروخته مغازه دار کناری دیدنی است: «اگر می‌خواهی خبر کذب بنویسی بگو بازار عالی است اما راستش این خبرها نیست. بله بازار یک تکانی خورده اما این تعداد مشتری کجا و بازار دو سه سال پیش کجا؟» یکی از دو زن که مشغول قیمت گرفتن دفتر مشق است با خنده می‌گوید: «ما ایرانی‌ها اصلاً مثبت اندیشی بلد نیستیم.» او و همراهش از طرف خیریه‌ای برای خرید لوازم التحریر به بازار آمده‌اند: «اگر خدا بخواهد می‌فرستیم برای سیستان و بلوچستان، بچه‌های آنجا خیلی احتیاج دارند.»

آقای سلطانی اما از صحنه‌های غم‌انگیزی می‌گوید که بعد از دیدنش توان ایستادن در مغازه را ندارد: «قدرت خرید پایین آمده. مردم با شنیدن خبر بازگشایی مدارس آمده‌اند برای خرید، اما قیمت‌ها آنقدر بالاست که کار را برای آنها سخت می‌کند. مداد رنگی ۱۲ رنگ فابر کستل شده ۶۰ هزار تومان، مداد رنگی چینی ۲۰ هزار تومان، بارها پیش آمده پدر و مادری با بچه وارد مغازه شده‌اند و خواسته‌اند مارک ارزان‌تری به آنها بدهم. حق هم دارند همه چیز خیلی گران شده. الان این دفترها را نگاه کنید که هیچ طرح و رنگی ندارد، بیشتر پدر و مادرها از اینها می‌خرند چون توان مالی خرید دفترهای رنگی و مدل دار را ندارند. قیمت یک بسته کاغذ آ.چهار از ۱۳هزار تومان بعد از کرونا شده ۶۵هزار تومان؛ دیگر شما خودت حساب کن.»

زنی که حسابی مشغول چک و چانه زدن با صاحب مغازه است نشان می‌دهد که حسابی قیمت زیر و بم بازار را درآورده. بعد از خریدش سر حرف را باز می‌کنم و او می‌گوید حتی اگر مدارس باز شود هم شاید فرزندش را برای کلاس حضوری نفرستد: «همسرم گفته تا بچه‌ها واکسینه نشوند نمی‌گذارد بروند مدرسه. این خریدی هم که الان می‌کنم بالاخره برای این است که پشت لپ تاپ هم بچه به دفتر و خودکار نیاز دارد. نمی‌شود که روی پوست بنویسد. اندازه نیازش برای او می‌خرم چون لوازمی که پارسال خریدم تمام شده.»

آقای سلیمی هم از تکانه‌های کوچک بازار می‌گوید که البته از روزهای اوج فاصله چشمگیری دارد: «آقا! زمانی بود که خیریه می‌آمد ۵۰ میلیون خرید می‌کرد و می‌رفت الان خیریه‌ها هم پول ندارند. خرید دو تا دفتر یا پنج تا خودکار مردم که سودی تهش نمی‌ماند.» او امیدوار است که مدارس باز شود و بچه‌ها سر کلاس برگردند تا شاید در چند هفته آینده بازار پر رونق‌تری را شاهد باشد.

در راه برگشت، جا به جا پر از دستفروش‌های لوازم التحریر است؛ دستفروشانی که بنا به مقتضیات زمان شغل عوض می‌کنند. یکی از آنها صمد است که کنار چند چرخ دستی پر از دفتر و خودکار و مداد ایستاده است و قیمت‌هایش چند هزار تومانی پایین‌تر از مغازه‌داران است: «دفترها دولتی است، لوازم التحریر دولتی است.» اینها جملاتی است که او هرچند دقیقه فریاد می‌زند: «بازار چنگی به دل نمی‌زند الان ما دفتر ۱۰۰ برگ می‌فروشیم ۱۲ هزار تومان و ۲ تا ۵۰ برگ را ۱۵ هزار می‌دهیم که کمی پایین‌تر از قیمت مغازه داران است.» او که الان دو هفته است این کار را شروع کرده، پیش از این شلوار با الیاف گیاهی می‌فروخته و قرار است برای دو ماه دیگر فروشنده محصول دیگری باشد: «دیگر کار ما هم اینجوری است. از همین سه تا چرخ، سه تا خانواده نان می‌خورند. بازار هم دیگر مثل سابق نیست، همین مغازه دارانی که روزی ۵ میلیون دخل کردند بعد از شیوع کرونا روزی یک میلیون هم به زور دخل دارند، ما که جای خود داریم.» او هم امیدوار است مدارس باز شود.

در راه برگشت به کودکانی نگاه می‌کنم که با چرخ دستی میان مردم ویراژ می‌دهند، راستی بازگشایی مدارس برای آنها چه معنایی دارد؟

> قدرت خرید پایین آمده. مردم با شنیدن خبر بازگشایی مدارس آمده‌اند برای خرید اما قیمت‌ها آنقدر بالاست که کار را برای آنها سخت می‌کند. حق هم دارند همه چیز خیلی گران شده. الان این دفترها را نگاه کنید که هیچ طرح و رنگی ندارد، بیشتر پدر و مادرها از این‌ها می‌خرند چون توان مالی خرید دفترهای رنگی و مدل دار را ندارند. قیمت کاغذ آ.چهار از ۱۳ هزار تومان بعد از کرونا شده ۶۵ هزار تومان دیگر شما خودت حساب کن

جـــدول سـودوکو

۳۷۵۲

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

آسان

		۱	۸	۲			۳	۴
۸			۴	۱				
		۲	۵					۶
۴				۶		۹	۸	
۲		۸	۳		۱	۶		۷
	۶	۳		۴				۱
۵					۷	۴		
				۸	۴			۹
۳	۶			۹	۵	۱		

متوسط

	۴	۶	۵		۸			۷
	۲		۷			۱	۵	
				۱	۶			۲
۷								۹
	۳						۲	
۸								۳
۹			۸	۶				
	۵	۳			۹		۶	
۶			۲		۵	۹	۷	

سخت

		۴				۵	۷	
		۷	۲					۴
			۷		۱			۳
			۴		۲		۱	
	۶		۱		۵		۸	
	۲		۶		۳			
۵			۹		۶			
۷					۴	۲		
	۴	۸				۹		

خیلی سخت

			۹			۷		
	۳				۹			۲
۹	۷			۱		۴		
		۱			۷			
٤			۱		۵			۳
			۳			۱		
		۸		۳			۵	٤
۵			۹				۸	
	۶				۲			

حل جدول سودوکو شماره ۳۷۵۲

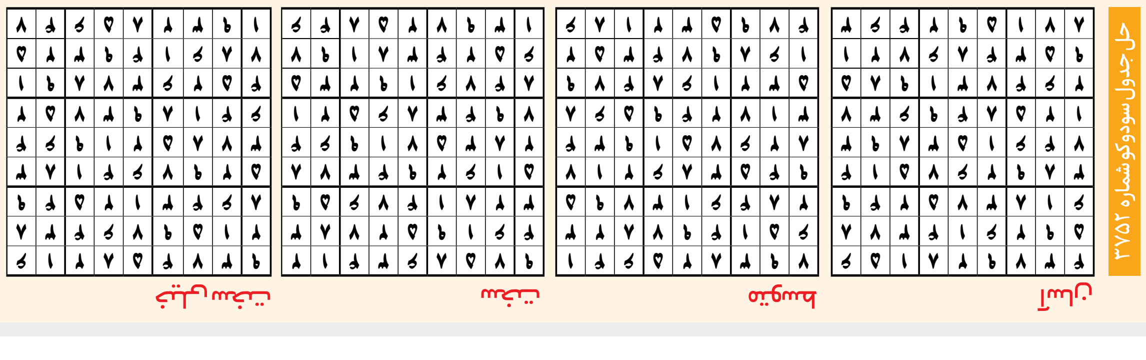

یک جـدول با دو شـرح

۷۷۲۱

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عـادی

افقی:

۱- از قدیم گفته‌اند به نوبت- کارتون پر طرفدار و دوست داشتنی
۲- آشکار، هویدا- درخت زینتی- وی
۳- نفرین- کمک- فرمان- اولین فلز کشف شده
۴- کلاه فرنگی- نامی برای دختران- زیاده روی در مصرف
۵- بزرگان، رؤسا- جزء یک فیلم- بازیچه کودکان
۶- نام پسرانه- ذلت، پستی- از ملزومات اداری
۷- شبنم و قطره آب صبحگاهی روی گل‌ها- سرموی ریخته- کمیت- همگی
۸- سریالی به کارگردانی «احمد معظمی»- کروی شکل
۹- دو یار هم قد!- نی توخالی- بی خطر- چهارمین سیاره در سامانه خورشیدی
۱۰- پدربزرگ- پهلویی، کناری- شیدایی
۱۱- آگاه- لطافت، ترحم- دوری از مسابقه
۱۲- آلودگی و ناپاکی- رسوایی و افتضاح- مفقود و غایب
۱۳- به معنی زایش- طرز و قاعده- طریقه نوشتن کلمات- چشم
۱۴- غصه- مأیوس- هماهنگ و جور
۱۵- هرزه گویی- مرکز «کهگیلویه و بویراحمد»

عمودی:

۱- نادان- بازیگر مرد سریال در حال پخش «افرا»
۲- تندی و تیزی- لقبی که به رهبر دینی بوداییان تبت داده می‌شود
۳- کشوری در خاورمیانه- هافبک دفاعی ملی پوش «پرسپولیس»- ضمیر عربی
۴- خاندان- شهر قائم مقام- چهره نما
۵- عید در گویش ترکی- مبهوت- آشنا
۶- اشاره قریب- اتاق بلند و بسیار وسیع- ایستگاه قطار
۷- ریز نمرات- رئیس ایل- راه زیرزمینی- ضمیر چهارم
۸- پهنه بزرگ آبی- دوره دبستان
۹- آش- مرغ استخوان خوار- نوعی پخت برنج- جنس کلاه روستایی
۱۰- پیش نام مردان- فیلسوف و مورخ یونانی- خس خس سینه
۱۱- چهره- یگانه- از علوم پزشکی و بهداشتی که به بارداری و زایمان می‌پردازد
۱۲- زبان شیرین!- ایده آل و مطابق آرزو- بزرگمرد
۱۳- ایتالیای قدیم- مرکز بخش «جلگه قدیم» اصفهان- بنشن ریز
۱۴- ملیت «اوسین بولت» دونده مشهور- موی بلند سر
۱۵- اثر عاشقانه و عارفانه «جامی»- نتیجه دهنده

جدول ویــژه

افقی:

۱- گیاهی طبی- سریالی از «کیومرث پوراحمد»
۲- گم کردن- شهری در «کوبا»- رود اروپایی
۳- سرشوی گیاهی- اهرم- بزرگ قبیله- عدد رمز
۴- پیش درآمد غم- حق تقدم- پایین‌تر از سرتیپ
۵- معصیت- خوب و خوش- برودت
۶- فرزند ابر!- شیرینی رمضان- فلز سنگین
۷- استارت قدیم- دخترک کارتونی- نامی برای بانوان- بوی زننده رطوبت
۸- از روی بی‌تجربگی- نسخه برداری
۹- آسیب- فیلم «مصطفی تقی‌زاده»- از افعال ربطی- نویسنده «طاعون»
۱۰- قوم باستانی آریایی- خصلت‌های خوب اخلاقی- ترانسپارانت
۱۱- نوچه و جوان- گرم نیست- خاص
۱۲- بیمار- دانشمند نوبل برده انگلیسی با نام «ادگار»- نفس خسته
۱۳- زندگی کن!- سوره ۳۰- هوس باردار- طمع
۱۴- از خواهران برونته- منطقه‌ای گردشگری در شهرستان «خداآفرین»- شهری در استان کرمانشاه
۱۵- اثر «ژوزه ساراماگو»- راهنمایی

عمودی:

۱- طبقه فلزی یا چوبی- وینگر «گل گهر سیرجان»
۲- قدیمی‌ترین- کتاب «تولستوی»
۳- بالای مجلس- گشت- گوشه خلوت
۴- رنجوری- بخشی از ریاضیات- دعاهای زیر لب
۵- تونل جاده چالوس- بهشت شداد- ترانه «علی لهراسبی»
۶- رها و آزاد- شماره نامه‌های اداری- شخصیت
۷- جنب و کنار- توشه سفر- دیدگاه‌ها- گوشت آذری
۸- قاتل گاندی- آش اماج
۹- آب در لغت محلی- گروه ورزشی- همه دارند- شهری در «هند»
۱۰- سره- زیرکی و هوشیاری- گلزن سابق تیم ملی اسپانیا
۱۱- ورزش نادال- عددی یک رقمی- شرح اوستا
۱۲- رشته کوهی در غرب و جنوب ایران- ژن‌های تغییر یافته- عنصر گواتر
۱۳- پیراستن باغبان- نام دخترانه- خضاب
۱۴- یکی از پنج گنج نظامی- از مردم هرات
۱۵- سریالی (۲۰۲۰) در ژانر کمدی تاریک به کارگردانی «جاناتان دیتون»- مدد

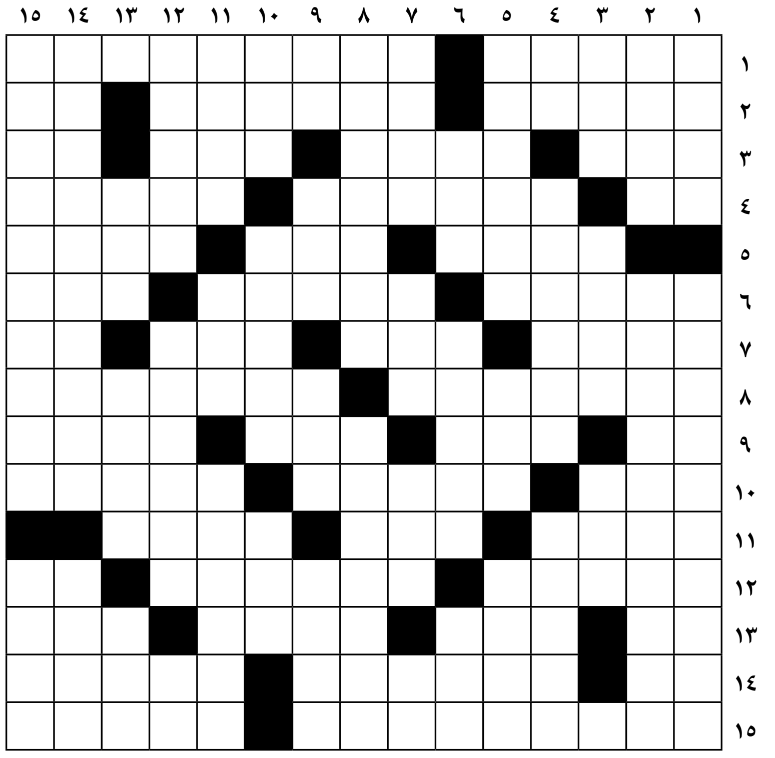

حل جدول عادی شماره ۷۷۲۰

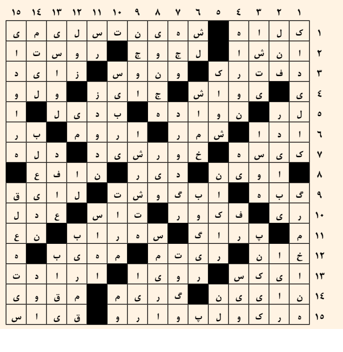

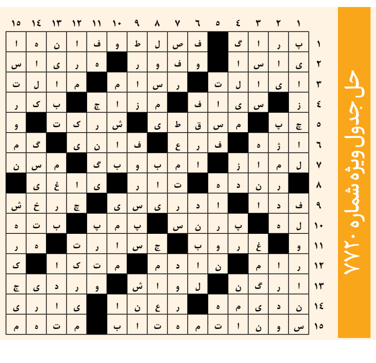حل جدول ویژه شماره ۷۷۲۰